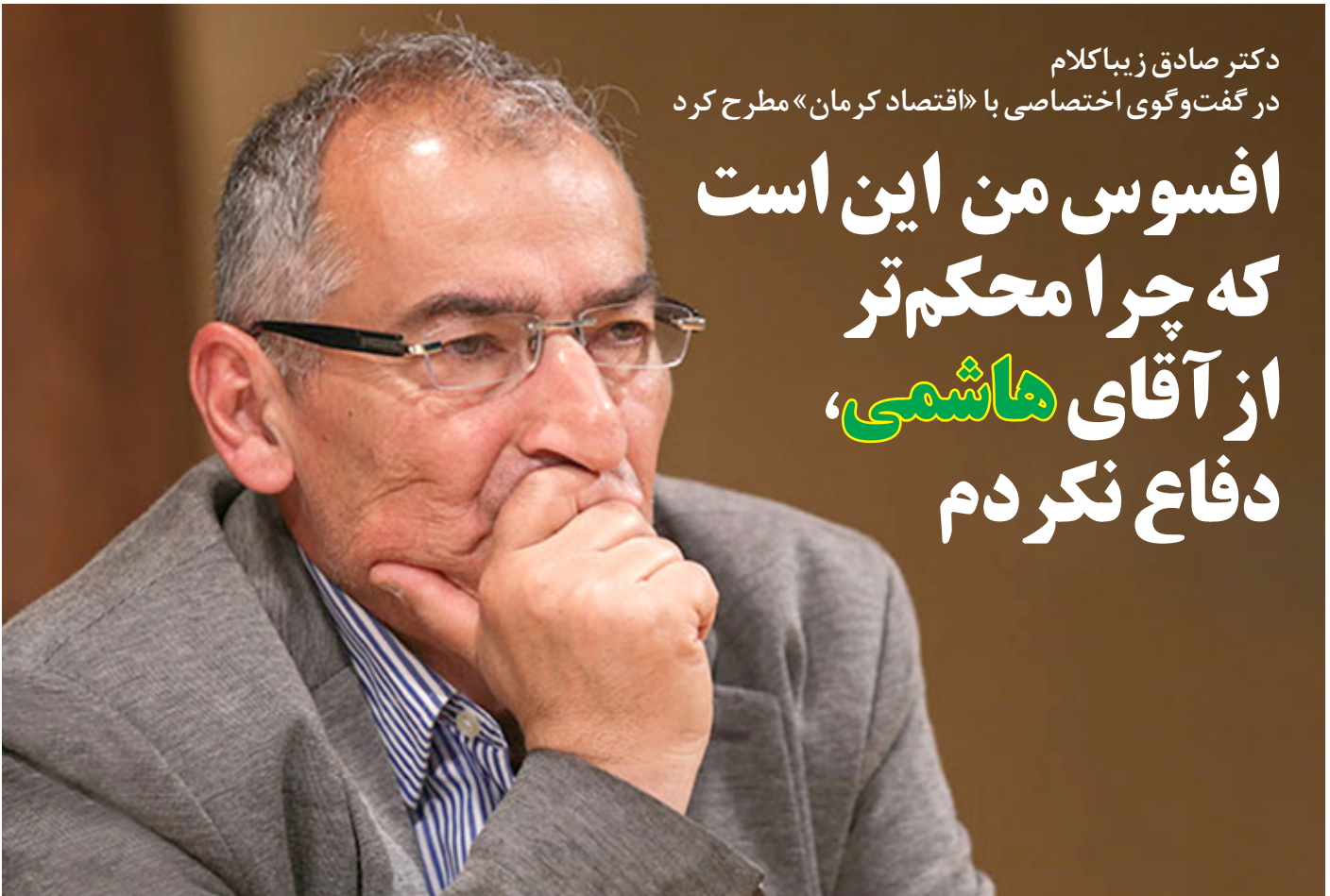


دکتر صادق زیباکلام
در گفت و گوی اختصاصی با «اقتصاد کرمان» مطرح کرد

افسوس من این است که چرا محکم‌تر از آقای هاشمی، دفاع نکردم



صادق زیباکلام را همه می‌شناسند. در کلام خود صادق است و تلاش دارد تا صادقانه رفتار کند. زمانی که توپخانه تندروهای جریان اصلاحات، هاشمی را نشانه گرفته بود، خود را موظف می‌دانست که به عنوان فردی که اخلاق برایش اولویت دارد از هاشمی دفاع کند. برخلاف بسیاری که هاشمی ستیزی برای آنها مد روشنفکری محسوب می‌شد. او از هاشمی دفاع کرد و در این مسیر ذره‌ای تردید به خود راه نداد. با وجود آنکه دفاع از هاشمی در بسیاری از موارد برایش گران تمام شده اما او را مجاب نکرده است که عطای دفاع از هاشمی را به لقایش ببخشد. دفاع او از هاشمی و رویکرد اعتدالی سردار سازندگی موجب شده که بسیاری او را تخریب کنند. با این حال او همواره هاشمی را فردی خادم می‌داند و دفاع از هاشمی و در واقع تفکر اعتدالی را رسالت اصلی خود برمی‌شمارد. ارادت او به هاشمی و استانی که هاشمی را در بطن خود پرورش داده، موجب شد تا با روی خوش، پذیرای گفت و گو با «اقتصاد کرمان» باشد. به گونه‌ای که در لایه لای مصاحبه تاکید دارد که اگر این رسانه متعلق به استانی به جز استان کرمان بود، با درخواست مصاحبه طولانی موافقت نمی‌کرد. مصاحبه با زیباکلام، مصاحبه‌ای متفاوت بود که اوج ارادت وی را به تصویر می‌کشد به ویژه زمانی که خاطرات مصاحبه با آقای هاشمی را مرور می‌کرد، بغض گلوی او را می‌فشارد و توفیقی چند دقیقه‌ای را ایجاد می‌کرد. با این حال «زیباکلام» مصاحبه را با صدایی اندوهگین و چشمانی اشک‌بار ادامه داد تا نسل جدید بدانند که هاشمی که بود و چه خدماتی به کشور کرد. زیباکلام از ابتدا در مسیر دفاع از هاشمی، شجاعانه گام برداشت. او افق دور تری را می‌دید که شاید از نگاه بسیاری از اصلاح‌طلبان مخفی مانده بود هم‌چنان که بارها به اصلاح‌طلبان توصیه کرد که هاشمی را به سمت جریان راست هل ندهند. البته مدت زمان زیادی لازم بود تا مردم متوجه این نکته بشوند و هاشمی را قادر بدانند.....

چهره‌های دوم خردادی تندرو، حملات زیادی را متوجه مرحوم هاشمی رفسنجانی کردند. در رأس این افراد اکبر گنجی، عباس عبدی، محمد قوچانی و عمادالدین باقی حضور داشتند. این افراد به آقای هاشمی حمله می‌کردند. دلیل این حمله، از انتقاداتی ریشه می‌گرفت که به آقای هاشمی نسبت می‌دادند و از ایشان می‌خواستند که پاسخ‌گوی این انتقادات باشند.

به نظر شما این انتقادات به جا بود؟

مسائلی که اصولاً ربطی به آقای هاشمی نداشت را به ایشان نسبت می‌دادند. فی‌المثل می‌گفتند که بحران با بنی صدر، نتیجه قدرت‌طلبی آقای هاشمی بود. از سوی دیگر تاکید داشتند که مسئولیت همه مشکلاتی که در دولت موقت به وجود آمد، متوجه آقای هاشمی است. اگر جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد به دلیل اعمال نفوذ و خواست و اراده آقای هاشمی بود. سیاست‌های اقتصادی ایشان را زیر سوال برده و مرتب بر روی این نکته تاکید کردند که نتیجه این سیاست‌ها، افزایش اشرافی‌گری و بی‌عدالتی بوده است. از سوی دیگر مسئله قتل‌های

بیش از دو ماه از فوت ناپهنگام، سردار سازندگی کشور آیت‌الله هاشمی می‌گذرد. ضرورت پرداختن به هاشمی به عنوان یکی از مهمترین تصمیم‌سازان کشور، موجب شد تا با صادق زیباکلام نویسنده کتاب «هاشمی بدون روتوش» گفت و گویی داشته باشیم. زیباکلام در صف مقدم دفاع از هاشمی و تشریح دلایل نگارش کتاب، نکات جالب و خواندنی را بیان کرده که خواندنش خالی از لطف نیست.



معصومه ستوده

در برابر کتاب هاشمی بدون روتوش، موافقان و مخالفان زیادی صف‌آرایی کردند. عده‌ای این کتاب را کار تبلیغاتی و برخی آن را یک اثر ژورنالیستی به تصویر کشیدند. اصولاً چه ضرورتی موجب شد تا کتاب «هاشمی بدون روتوش» نوشته شود؟ در اوایل دوران اصلاحات که نامش اصلاحات نبود و دوم خرداد نامیده می‌شد، تعدادی از